

بررسی و ترجمه:

# انفال

نوشته آیت الله العظمی منتظری



آیت الله محمدی گیلانی

بدنبال مراجعه، بعضی از متصدیان محترم مجله پاسدار اسلام به این جانب، جهت گرفتن مقالای، مدنی می‌اندیشیدم که چه موضوعی را انتخاب کنم و عنوان مقاله قرار دهم، تا مناسب جو موجود بوده و برای خوانندگان محترم مفید باشد؟

همزمان با گپو دار انتخاب موضوع بحث و مقال، "کتاب خمس" ذخر سلف صالح، فقیه محقق، استاد مجاهد، حضرت آیه الله منتظری - مدظله العالی - به دستم رسید. با قرب عهده‌ی که در مصاحبت افاضل همگان حوزه، مقدسه علمیه قم به مباحث خمس داشتم، خواستم مروری سریع بر ابحات کتاب مذکور کنم. ولی هنگامی که شروع به مرور نمودم، جمال ترکیب تحقیقات پر محتوای عمیقش که آراسته به زیبایی ترکیب کلمات موزون نبوده است، عزم رحیم را به اقامت و امان، مبدل ساخت، و حاصل این اقامت و امان، علاوه بر بهره‌وریها، انتخاب موضوع مقالم گردید و بر آن شدم که "فصل انفال" کتاب شریف را ترجمه و نقدی آزاد کنم.



در آغاز گفتار از بیان دو نکته به عنوان مدخل بحث ناگزیرم و انتظار می رود شما خواننده گرامی با حوصله به این مقدمه توجه فرموده و در آن دقت مبذول فرمائید.

**نکته اول:** آنکه در بحثهای علمی که برای عموم مطرح می شود، غالباً بین گوینده و شنونده، و بین نویسنده و خواننده، زبان مشترکی که روشنگر دقائق بحثهای علمی باشد، وجود ندارد، و الفاظ مستعمل در

همانگونه که به حکم کریمه: "لا یمسه الا... المظهرین" ، اساساً حقیقت وحی و تنزیل مشروط به موهبت تطهیر مطلق یعنی پاکیزگی و پاکی در همافعال وجود است. همچنان سانس یا مرتبه نازل و وحی و نازل به تنزیل (تنزیل یعنی ملکه) قدسیه فقاقت (، نیز مشروط به طهارت ذات و صفای سریرت و وارستگی از شهواتهای رهزن و وابستگی به زهد و پارسائی است. و در خیر احتجاج، که معلم الاصول، شیخ اعظم انصاری - قدس سره - در مبحث "خبر واحد رسائل" می فرماید: "آثار صادق از خبر مذکور نمایان است" همین اوصاف است که امام عسکری از جد گرامیش، امام صادق - علیهما السلام - در این بیان کوتاه بلیغ

بولهیمی است. و فقیه نمایان شیادی مانند شلمانیها و بظانیهها همچون قارح سی در میان رویای مذهب و فقهیهای راستین این امت روئیده اند و جمع کشی را با زهرنگ و شبهه مسموم کرده اند، که در خیر مذکور آنان را چنین توصیف میفرمایند:

"هم اضر علی ضعف شیعنا من حیث یزید علی الحسین بن علی - علیهما السلام - و اصحابه، فانهم یسلونهم "الأرواح و الأموال، و هو" لا" علما - "السوء" الناصبون المشبهون بانهم "لنا موالون و الأعدائنا معادون". "یدخلون الشک و الشبهه علی ضعفنا" "شیعتنا فیملونهم و یمنعونهم عن - قصد الحق المصیب".

## الحق و الانصاف استاد مجاهد و فقیه پارسا آیه الله منتظری در صف مقدم با بصیرتی کم نظیر، سایه وار ملازم مقصد حضرت رهبر عظیم بوده اند و در پیش برد این قیام چه زجرها که نکشیدند و چه مصیبتها که ندیدند؟ می توانی از پیراهن های خون آلودش قصه را سؤال کنی!

محاورات عمومی، چنانکه باید ترجمان نکات باریک و لطیف علمی نیستند، خصوصاً علوم اسلامی و در راس آنها علم فقه که از آغاز تدوین آنها، تمام قواعد و اصطلاحات فرمود و علامتشان به زبان عربی بوده و می باشد، و معادلات آنها در زبان فارسی، هنوز مرسوم و معمول نگردیده است و بدیهی است که لفظی که زبان اصل، هر فقی می تواند، در خاطر شنونده و خواننده ذی فطن ایجاد کند، زبان عاریتی از انجام چنین وظیفه ای ناتوان است. پس:

گر زبان لفظ اینجا نارسا است عذر ما بپذیر گاین خود نقص ما است

**نکته دوم:** آنکه حقیقت فقه، تلقی وحی است از آثار و موارثت وحی، و تنزیلی است از "تنزیل من الرحمن الرحیم" و

نقل می فرماید:

"فاما من كان من العقبا، صائنا لنفسه" "حافظا لدينه، مخالفا علی هواه،" "مطيعا لامر مولاة، فلكل موام ان یقلدوه،" "و ذلک لا یكون الا بعض فقها الشیعه" "لا جمیعهم"

"از میان فقها، آنکس که خودنگه - دار از همه، سیئات اخلاقی، و عهده دار حفظ دیانت، و مخالف پیروز بر هوای نفسانی و فرمان بردار مولای حقیقی است، بر عموم مردم است که از چنان کسی پیروی نموده و به رهبریت وی گردن نهند و فقط برخی از فقهای شیعه چنین می باشند نه همه شان"

بی تردید و به گواهی تاریخ و شهود عینی همه وقت، چراغ مصطفوی با شرار

"اینان برضعای شیعیان مازیانار - تر از سبایان یزید بر حسین بن علی - علیهما السلام - و بارانش هستند، زیرا که سبایان یزید از حسین و بارانش، جان و مال غارت نمودند و این علمای بد که دشمنان دوست نمایند، با ادخال شک و شبهه برضعای شیعیان ما، آنان را از صراط حق گمراه نموده و اعتقادات آنان را بعارت می برند"

اما خوشبختانه منت این حقه سازان، همه وقت باز گردیده و سرانجام کارشان به رسوائی و فضاحت کشیده، زیرا که:

بازی چرخ بشکندش بیضه در گناه  
زیرا که عرش شعبده با اهل راز کرد  
ای دا، سیا که ما به پناه خدا رویم  
زانج آستین گوته و دست دراز کرد

فقیهان یعنی آن بلند همتان و ارسته که همه

جلال و جمالی که قرآن و سنت به آنان بخشیده است

در پای حفظ قرآن و سنت قربانی کنند •

مآوردند ، و میان همه آنان در این عصر " العنة لله " - ستارهای بدرخشید و مساه مجلس شد دل رمیده ما را رفیق و مونس شد و با ولادت انقلابی نه فقط تزلزل در ایوان کاخ سفید و کاخ سرخ استعمار افکند ، بلکه کنگره‌هایی چند از آنها را در خاور و باختر فروریخت . و در این انقلاب الهی ، همه فقهای راستین و " رَجَالٌ صَدَقُوا مَا - عَاهَدُوا لِلَّهِ عَلَيْهِ " شریک و انباز رهبر بزرگوارند ، که الحق و الانصاف ، استاد مجاهد ، و فقیه پارسا ، آیه الله منتظری - مدظله العالی - در صف مقدم با بصیرتی کم نظیر ، سابه وار ملازم مقصد حضرت رهبر عظیم بوده‌اند ، و در پیش بود این قیام خونبار چه زجرها که نکشیدند و چه مصیبت‌ها که ندیدند؟ ! می‌توانی از پیراهن‌های خون آلودش قصه را سؤال کنی ، و اعجاب انگیز است که این سوخته‌ها را جان شد و سوختن شمره عمرش ، فرزند مجاهدش را در زندان استعمار می‌دیدند ، و آوازی نیامد ، و سرانجام حجة الاسلام ، شهید محمد منتظری همراه شهید مظلوم ،

یکی از همه عنایت‌های خداوند متعال بر این امت ، این است که در هر عصری از اعصار تاریخ اسلام با همه گرفتاری‌هایی که دشمنان اسلام فراهم آورده‌اند ، فقهای راستینی ، متصف به صفات مذکوره در میان این امت پدید آمده‌اند که با موهبت تطهیر الهی ، از آثار و موارث وحی و تنزیل ، تلقی فقاقت نموده‌اند ، و عهده‌دار رهبریت ، حسب امکانات عصر خود بوده‌اند .

همت عالی ، و عزم ثابت ، و طمانینه نفس ، و استقامت ، و تضحیه همه عزیزان در پای اسلام عزیز ، همراه با زهد و پارسائی آنان نسبت به زینت‌های آز انگیز و زخارف راهزن دل‌ها ، بی دغدغه ، آیه کریمه " ... شاهدنا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا " را بر آنان منزل می‌کند و آنان را وارث این شعله فروزان رهبری که خداوند متعال در محورهای پیر- بیج و خم اطوار انسانی افروخته‌است ، می‌داند .

این اختران تابناکند که زینت بخش آسمان شریعت و حافظان آن از هر شیطان

مساس با مرتبه نازله وحی و نبیل به تنزیل یعنی ملکه

قدسیه فقاقت مشروط به طهارت ذات و صفای سرپرست

و وارستگی از شهوت‌های رهزن و وابستگی به زهد و

پارسائی است .

آیه الله دکتر بهشتی با بیشتر از هفتاد و دو تن در " النار ذات الوقود " سوختند و درس وفا و صدق را به اهل ایمان آموختند و جسد سوخته آماج زجرهای طویل در عمر قصرش ارمغان پدر شد . و لعمری با خوانی القرآ " ان هذا لهو البلاء المبین " ، و تو گوئی سروش عالم غیب در گوش دلم این ندبه را می‌سراید : " یا کونیا ما کان اقصر عمره ؟ و کذا تکون کواکب الاسحار " .

نی ، غلط گفتیم که اعجاب انگیز است ، زیرا بینش الهی که از صفات ممتازه فقیه است چنین اقتضا دارد که عالم هستی را پهناورتر از محدوده طبیعت می‌بیند و مرگ چنانی عزیزان و ثمرات عمرشان را الطاف خفیه خداوند متعال میدانند ، چنانکه کاسه حسنه زمان معاصر در مرگ فرزند شهیدش آیه الله حاج آقا مصطفای عزیز - قدس سراف این تعبیر را فرمودند و آموختند .

علی ای حال ، فقیه ، یعنی آن بلند همتان و ارسته که همه جلال و جمالی که قرآن و سنت به آنان بخشیده است در پای حفظ قرآن و سنت ، قربانی کنند و در این تضحیه منت کش صاحب شریعت باشد ، و آن را الطاف خفیه حق تعالی دانسته و در ملازمت صراط مستقیم : " هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي " ، که قدمگاه خلیل زمان و انسان کامل امام خمینی است ، نبات قدم ورزند و یقینا مشمول دعای خلیل الرحمن - علیه السلام - : " فَأَجْعَلْ آفِئَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ " خواهند بود این بود دو نکته‌ای که به عنوان مقدمه و مدخل بحث " انفال " خواستم بذکر شریفان برسانم و اکنون وارد بحث میشوم :

ادامه دارد